



تاریخ پول

(بخش اول)

پادکست دایجست | قسمت ۱۴

شهریور ۱۳۹۷

فرشاد محمودی

ویرایش و تنظیم: شادی حسین‌نیا

مقدمه

در ابتدا برای این قسمت از پادکست موضوعات دیگری مرتبط با اقتصاد انتخاب شده بود. اما در هنگام تحقیق در مورد آن‌ها متوجه موضوعی شدم؛ اگر تلاش برای شناخت بیشتر از اقتصاد را به تلاش برای حل یک پازل تشبیه کنیم، شناخت بیشتر و درک ماهیت «پول»، می‌تواند قطعه مهمی از این پازل باشد. با وجود نقش بسیار مهم و تاثیر زیاد پول در زندگی و تعاملات روزمره افراد، کمتر کسی است که اطلاعاتی از روند به وجود آمدن پول و چگونگی و سیر تغییر شکل، جنس و درواقع، تکامل پول داشته باشد. این که تکه‌های کاغذی که بشر خود از چوب درختان ساخته بود، چنان جایگاهی در زندگی او پیدا کنند که انسان‌ها در سراسر دنیا روزانه بین ۸ تا ۱۰ ساعت و حتی بیشتر و همچنین بیشترین زمان از زندگی خود را در تلاش برای بدست آوردن آن بگذرانند. در نتیجه این قسمت را به موضوعی مهم‌تر و پایه‌ای‌تر اختصاص دادم تبدیل پول از یک واحد پولی سخت مانند طلا و فلزات گرانبهای دیگر به کاغذ، همان تغییری بود که دنیای مدرن را شکل داده و نوع تجارت بشر و نحوه تامین ذخایر ارزی را تحت تاثیر قرار داد. با به وجود آمدن ارزهای دیجیتال مانند «بیت کوین»، این تغییر پول از کاغذ به پولی که وجود فیزیکی نداشته و حتی قابل لمس نیست، شکل عجیب‌تری به خود می‌گیرد. برای درک بهتر تاثیر این تغییرات، بهتر است نگاهی به زندگی بشر قبل از خلق پول کاغذی بیندازیم.

مبادلات بشر قبل از پیدایش پول کاغذی

بشر از ابتدا تجارت می‌کرد و کالاهایی را که نیاز نداشت با کالاهای مورد نیاز خود مبادله می‌کرد. بعد از مدتی و پس از یکجانشین شدن و فراگیری کشاورزی، به سراغ تخصص‌گرایی رفت. در آن زمان قبایل و جوامعی بوده‌اند که در تولید برخی محصولات و کالاها تخصص داشته‌اند و البته به کالاهایی نیاز داشتند که تخصصی در آن نداشته‌اند. ولی در مقابل قبیله‌ای دیگر آن کالا را به شکلی کامل‌تر تولید می‌کرد. در نتیجه کالاهایی را که خود می‌ساخته‌اند را با کالاهایی که قبایل دیگر می‌ساخته‌اند مبادله (تجارت) می‌کردند. مفهوم «تلاقی خواسته‌ها»، همان چیزی است که تجارت بر آن بنا شده است. به عنوان مثال، جامعه‌ای را در نظر بگیرید؛ فرض کنید من در این جامعه لباس تولید می‌کنم و شخص دیگری غذا. حال اگر من به غذا نیاز داشته باشم و آن شخص به لباس، می‌توانیم با مبادله‌ی لباس با غذا، شکل ساده‌ای از مفهوم تجارت را ببینیم. حال در نظر بگیرید شخص مقابل به لباس تولید شده توسط من نیاز نداشته باشد، اما من به غذایی که او درست می‌کند چرا! در اینجا من باید شخص سومی را بیابم که به کالای من (لباس) نیاز داشته باشد و در مقابل کالایی (مثلا سلاح) به من بدهد که من آن را به تولیدکننده غذا داده و در قبال آن غذا دریافت کنم. بدین شکل وقت زیادی از من برای یافتن شخصی که کالای مورد نیاز تولیدکننده‌ی غذا را دارد صرف می‌شد و در نهایت نیز تضمینی برای یافتن آن نبود. به عنوان مثالی دیگر، در نظر بگیرید من ماهیگیرم و شما کشاورز. من هر روز ماهی بدست می‌آورم ولی محصول شما (مثلا گندم) یک مرتبه در سال برداشت می‌شود. مسلم است من نمی‌توانم تا زمان به ثمر رسیدن محصول شما صبر کنم چون ماهی‌های من خیلی زود فاسد و غیرقابل استفاده می‌شود. مواقعی نیز تجارت به علت تفاوت در ارزش کالاها و محصولات بشدت سخت می‌شد، به عنوان مثال، شخصی یک گاو برای مبادله داشت که ارزش آن برابر با صد عدد مرغ بود ولی دیگری فقط ۳۰ مرغ برای تجارت و مبادله داشت. مضحک بود که صاحب مرغ به اندازه سی عدد مرغ خود از گاو طلب کند. مشکل بزرگ دیگر حمل کالاها یا موارد مورد معامله بود. مثلا دشواری زیاد حمل ۱۰۰ گاو به شهری ۱۰۰۰ کیلومتر دورتر و دریافت ابریشم در مقابل آن و بازگرداندن آن. در نتیجه بشر به کالای سومی نیاز داشت که بتواند در مقابل محصول مورد مبادله خود در هر زمان و هر مکانی دریافت کند. پول بدین‌گونه خلق شد.

پول کالای سومی بود که ارزش را در خود ذخیره می‌کرد، مورد قبول همگان بود، حجم کمی داشت و به راحتی قابل حمل و نقل و انتقال بود. پول واسطه مبادلات شد و تمام مشکلات مبادله کالا با کالا را از میان برد. نکته‌ای که وجود دارد این‌که برخلاف تصور، در زمان گذشته پول فقط سکه‌های طلا و نقره نبود. در واقع هر چیزی که در دسترس بود (ولی نه فراوان) و ارزش را در خود ذخیره می‌کرد می‌توانست نوعی پول باشد. به عنوان مثال زمانی از گاو به عنوان پول استفاده می‌شد یا اروپاییان مدتی پس از کشف قاره آمریکا، از مشروبات الکلی به عنوان

پول استفاده می‌کردند. در چین باستان اشکالی از پول فلزی وجود داشته که به شکل ابزارآلات و چاقو بوده است و اینکه حتما همه در فیلم‌ها مشاهده کرده‌ایم که در زندان از سیگار برای ارزش‌گذاری و مبادله استفاده می‌شود. اما برخلاف تصور، مهم‌ترین پول دوران باستان نه که طلا، بلکه صدف مروارید بوده است. خصوصیتی چون عدم امکان جعل و ساختن پول تقلبی و دشواری در یافتن آن که باعث عدم فراوانی و در نتیجه رفع مشکل تورم می‌شد، صدف را به پولی مناسب تبدیل کرد. بطوری‌که در آثار باقیمانده‌ی همه‌ی تمدن‌های باستان در سراسر جهان، آثاری از (Shell Money) یا همان پول صدفی یافت شده است. تمامی انواع پول‌هایی که گفته شد (سکه‌های طلا و نقره، صدف، الکل، گاو و احشام دیگر و سنگ‌های زینتی)، از یک نظر با هم اشتراک دارند و آن اینکه همه (Commodity Money) به معنی (پول-کالا) هستند. علت این نامگذاری این است که تمام این پول‌ها ارزش خود را از کالایی که هستند می‌گیرند، الکل و همچنین گاو قابل خوردن بودند و یا از طلا و نقره و سنگ‌های زینتی می‌شد برای ساخت زیورآلات استفاده کرد.

مفهوم پول-کالا در تضاد با پول نمادین یا (Representative Money) است، بدین معنی که پول-کالا بخودی خود و جنس آن ارزشمند است (مثلا طلا)، در حالی که پول نمادین، مانند رسیدی برای کالایی است که به فردی داده شده است. در ادامه در این مورد بیشتر توضیح خواهیم داد.

به علت ارزشمند بودن پول-کالا، بشر به راحتی و بدون دغدغه از آن در مبادلات استفاده می‌کرد. امری که در صورت وجود پول کاغذی در آن زمان، بدین سهولت صورت نمی‌گرفت. اما این سیستم (پول-کالا) در مواجهه با رشد اقتصادی دچار اشکالاتی می‌شد. مثلا برای معاملات بزرگ، انتقال پول-کالا به دلیل حجم و وزن زیاد، با مشکل روبرو می‌شد. مشکل دیگر خطر (Debase) شدن پول-کالا بود. (Debase) کردن به معنای تضعیف پایه‌ی پول به نفع مسئولین و مقامات است. برای مثال، ذوب کردن سکه‌ی طلا و افزودن مقداری مس به طلای مذاب و ضرب دوباره سکه با آن (در حقیقت علت گاز زدن سکه‌ها در قدیم همین بوده: تشخیص خالص بودن سکه). مشکل دیگری که وجود داشت محدود بودن منابع پول-کالا بود که در هنگام رشد اقتصادی، به معضلی بزرگ تبدیل می‌شد. ممکن بود کشوری با رشد ناگهانی و سریع اقتصادی، منابع کافی طلا و نقره برای پول نداشته باشد، و یا کشوری که به علت درگیر شدن در جنگ، نیاز فوری به منابع پول-کالا دارد، نه خود آن منابع را در کشور خود داشته باشد و نه کشورهای دیگر حاضر به قرض دادن به آن باشند. نه تنها محدود بودن پول-کالا خود نوعی مشکل بود، بلکه در صورت فراوانی و کشف ناگهانی نیز دردسری بنام بی‌ارزش شدن پول پیش می‌آمد. به عنوان نمونه، زمانی اسپانیایی‌ها به معادن بزرگی از طلا و نقره در آمریکای جنوبی دست پیدا کردند و پس از انتقال آن به اروپا، مشکل بزرگی بوجود آمد. بدین ترتیب که به دلیل ثابت ماندن میزان کالاها و درعین حال افزایش ناگهانی مقدار پول (طلا و نقره) در میان مردم، تورم زیادی در اروپا شکل گرفت. این مساله همان چیزی است که از آن در عصر حاضر به «رد نقدینگی» تعبیر می‌شود. برای روشن شدن موضوع، به این مثال دقت کنید: در کشوری ۱۰۰۰ واحد پول-ریال، دلار، سکه یا هر واحد پول دیگر- و ۱۰۰ نمونه کالا وجود دارد. معدنی کشف می‌شود و ۲۰۰۰ واحد پول دیگر، وارد سیستم پولی کشور می‌شود. اتفاقی که می‌افتد این است که چون میزان کالاها ثابت مانده ولی پول افزایش پیدا کرده است، کالاها پول اضافی را به خود جذب می‌کنند و این امر باعث بوجود آمدن تورم می‌شود. در نتیجه اگر کسی یا کشوری به میزان زیادی از واحد پول کشور شما دسترسی داشت، می‌توانست روی سیاست پولی کشور شما تاثیر مستقیم داشته باشد.

پیدایش پول کاغذی

تا اینجا، مبادلات کالا به کالای انسان در ایام قدیم و مشکلات آن که منجر به پیدایش مفهوم پول-کالا شد را مرور کردیم، حال به دلایل و روند تبدیل پول-کالا به پول کاغذی می‌پردازیم.

اولین نشانه‌های پول کاغذی در چین باستان یافت شده که در (سفرنامه‌ی مارکوپولو) نیز اشاراتی به آن شده است. اگر به تصاویری که از سکه‌های یافت شده مربوط به چین باستان دقت کنیم، متوجه سوراخ کوچکی در آن می‌شویم که چینی‌ها از آن نخ محکمی عبور میداده‌اند و بدین طریق، چیزی شبیه به دسته‌های اسکناس کنونی که شامل تعداد معینی اسکناس است بوجود می‌آورده‌اند. این نخ‌ها طول مشخصی داشته‌اند، مثلا از نخ به طول یک متر برای ۱۰۰ سکه استفاده می‌کرده‌اند. این موضوع باعث سهولت در شمردن پول و راحت‌تر شدن مبادلات می‌شده است. اما بعدها و با پیشرفت اقتصادی، چینی‌ها متوجه مشکل این نوع پول که سنگینی و دشواری حمل و نقل آن در مبادلات بزرگ بود شدند. تدبیری که دولت چین اتخاذ کرد این بود که به مردم و تجار اعلام کرد که آنها می‌توانند با سپردن پول خود به دولت و دریافت رسیدی که میزان پول آن‌ها نزد دولت در آن درج شده بود، از مشکل حمل و نقل پول سنگین‌رهایی یافته و در ازای دریافت کالا و بجای پول، آن رسید را به فروشنده تحویل دهند. فروشنده می‌توانست هرزمان با ارائه رسید مورد نظر، پول یا همان سکه خود را از دولت بگیرد. این رسیدها که در واقع نوعی (IOU) بودند رفته رفته مورد استقبال مردم و تجار قرار گرفتند و پس از چندی استفاده از آنها در سراسر دنیا رواج یافت.

اولین پول کاغذی در ایران در دوره ایلخانیان (جانشینان چنگیزخان مغول) در حدود سال (۱۲۹۴) و تحت فرماندهی (گی خاتو) در ایران نیز مورد استفاده قرار گرفت. این پول کاغذی دقیقا از پول کاغذی چینی‌ها الگوبرداری شده بود به طوری که حتی حروف زبان چینی روی آن دیده می‌شد.

گی خاتو که به عیاشی و خرج کردن بی حد و حساب پول دولت شهرت داشت، هنگامی که با خزانه‌ی خالی خود مواجه شد به پیشنهاد وزیرش، که با سیستم پول کاغذی در چین آشنایی داشت، تصمیم گرفت این پول را در ایران رواج دهد و شروع به چاپ پول کاغذی در تبریز کرد. وی حتی اعلام کرد کسانی که از پول کاغذی استفاده نکنند با مجازات شدید روبرو خواهند شد. با تمام این احوال، پول کاغذی از طرف تجار ایران مورد قبول واقع نشد و گی خاتو نه تنها مجبور شد از تصمیم خود صرف نظر کند بلکه این موضوع تا حد زیادی در سرنگونی حکومت وی نیز نقش داشت. (تومان) که در حال حاضر در ایران واحد پول غیر رسمی کشور ماست نیز در واقع واژه‌ای مغولی است به معنای ده هزار. (ده هزار دینار برابر با ده ریال بوده است).

در غرب و در اروپا نیز نشانه‌هایی از پول کاغذی در (رم) ایتالیا دیده می‌شد. در واقع ایتالیا جزو اولین کشورهای است که سیستم بانکداری را به اجرا گذاشته است. شهر دولت‌های ونیز، فلورانس و میلان در این زمینه نقش بسزایی داشته‌اند. در ایتالیا نیز علل رواج پول کاغذی همان علل ذکر شده بود (وزن زیاد پول- کالا، مشکل حمل و نقل و...). در آنجا نیز تجار ایتالیایی هنگام معاملات در شهرهای دیگر برگره ای (همان IOU) یا سفته که توسط تاجر دیگری پشت نویسی می‌شده را دریافت و یا پرداخت می‌کردند. تجاری که این برگره را در ازای فروش کالا دریافت می‌کردند می‌توانستند با مراجعه به بانک، آن را به پول تبدیل کنند. برای مثال، فرض کنید شخصی، مثلاً من، از شما کالایی می‌خریدم و در ازای آن پول کاغذی به شما می‌پرداختم. شما به بانک مراجعه می‌کردید و بانک با کسر مبلغی از آن نوشته یا سفته یا (IOU) پول به شما می‌پرداخت. سپس بانک تمام این سفته‌ها را در زمان معینی، مثلاً ماه به ماه، جمع‌آوری می‌کرد و آن‌ها را با سوار کاری که نقش پیک داشت به بانک شهر محل صدور سفته می‌فرستاد. بانک شهر مبدا صدور سفته نیز آن‌ها را به درب منزل صادر کننده این سفته‌ها -در این مثال من که از شما کالا خریدم بودم- می‌آورد و من پول آن را به مامور بانک می‌پرداختم. پس هر شخصی می‌توانست در هر شهری از ایتالیا کالا خریداری کرده و پس از خرید آن و بازگشت به شهر خود پول کالا را به بانک شهر خودش بپردازد که این خود پیشرفت بزرگی در سیستم معاملات بود. اگر بانکی که سفته را دریافت می‌کرد و در ازای آن پول می‌پرداخت در شهر فرد صادر کننده سفته شعبه نداشت، می‌توانست سفته را به بانک دیگری که در شهر آن فرد شعبه داشت فروخته و مبلغ وجه آن را دریافت کند. به تدریج سفته رواج زیادی یافت، طوری که خود بانک‌ها در صورتی که فردی سپرده کافی طلا یا نقره نزد بانک داشت، برای وی سفته صادر می‌کردند.

اما همه‌ی این اتفاقات و پیشرفت‌ها برای اینکه پول به شکل کامل خود برسد کافی نبود. ۳۰۰ سال بعد، سال (۱۶۴۹) در انگلستان (چارلز اول) پادشاه وقت، با بدهی فراوان دست و پنجه نرم می‌کرد. پارلمان وقت که با وی رابطه‌ی خوبی نداشت اجازه وضع مالیات جدید نمی‌داد. چارلز به خزانه مراجعه کرده و طلاهای موجود در خزانه را به نفع خود ضبط کرد. نوعی گرفتن وام با زور. وی البته مدعی شد که این مقدار طلا را که در واقع متعلق به تجار و بازرگانان انگلیسی بود، بعدها با ۸ درصد بهره برمی‌گرداند. چارلز اول شبیه همین کار را نیز با کمپانی هند شرقی کرد، موجودی لفل کمپانی را فروخته و مبلغ آن را که ۶۰ هزار پوند بود بعنوان وام گرفت. چارلز اول بعدها برکنار و اعدام شد اما این واقعه باعث بی‌اعتمادی مردم بخصوص تجار و بازرگانان به دولت شد. اتفاقی که تاثیر بزرگی در آینده اقتصاد داشت، با توافق تجار و زرگران انگلیسی شروع شد. زرگران و طلافروشان به تجار پیشنهاد دادند که جای سپردن پول خود به خزانه، آن را در گاو صندوق‌های بزرگ زرگرها به امانت بسپارند و در ازای آن رسید دریافت کنند و البته مبلغی بابت اجاره بپردازند. استقبال تاجران از این پیشنهاد باعث شد مدتی بعد طلافروشان پیشنهاد دیگری به آنها بدهند. اینکه تاجران سکه‌هایشان را نزد آنها بسپارند، اجاره هم نپردازند و حتی بهره‌ی پول خود را نیز دریافت کنند. اما طلافروش‌ها بتوانند از آن سکه‌ها به بقیه وام بدهند. این پیشنهاد هم با استقبال تاجران مواجه شد. این زرگران، به نوعی بانک‌های اولیه بودند.

همان‌طور که گفته شد این بانک‌های اولیه در قبال دریافت سکه‌های افراد، برای آن‌ها رسیدی صادر می‌کردند که با بازگرداندن آن رسید شخص می‌توانست پول خود را از بانک بگیرد. کم‌کم و با پیشرفت بانک‌ها نه تنها شخص صاحب حساب، که هر کس که رسید را می‌آورد می‌توانست مبلغ آن را از بانک بگیرد. چیزی که در دنیای امروز به آن (وجه حامل) می‌گوییم. همین موضوع باعث شد که مردم بجای استفاده از سکه، از این رسیده‌ها یا به اصطلاح (وجه ارزی) استفاده کنند و سکه‌هایشان را نزد بانک به امانت بگذارند. پس از مدتی و با تقاضای هرروزه مردم برای دریافت رسیده‌های با مبلغ پایین‌تر جهت انجام خریدهای کمتر و جزئی‌تر، قدمی دیگر بسوی پول کاغذی برداشته شد. چندی بعد کار به صورتی شده بود که دیگر بیشتر معاملات با این رسیده‌ها انجام می‌شد و کمتر کسی برای خرید و فروش از پول سکه‌ای استفاده کرده و بالطبع برای دریافت پول خود به بانک مراجعه می‌کرد. قسمت اعظم معاملات با همین رسیده‌ها و حتی بدون این که در طی چند معامله و خرید و فروش، یکبار کسی برای نقد کردن آن رسید به بانک مراجعه کند انجام می‌شد. آن رسیده‌های اولیه و همچنین پول کاغذی امروزی بر اصل اعتماد بنا شده است. اعتمادی که دارنده پول یا رسید به این موضوع دارد که به مقدار همین رسید در جایی پول-کالا هست و هم اینکه قرار نیست همه باهم و به یکباره برای برداشت پول خود به بانک مراجعه کنند و اینکه می‌شود از این پول جهت پرداخت وام و دریافت بهره استفاده کرد. اینجا بود که مفهوم (Fractional Reserve Banking) یا ذخیره قانونی بانک‌ها شکل گرفت.

مفهوم سپرده قانونی بانک‌ها

ذخیره قانونی بانک‌ها بدین معناست که بانک‌ها موظفند همیشه مقداری از پولی که توسط مردم نزد آن‌ها به امانت است را نگه دارند و فقط با باقیمانده آن وام بدهند. این میزان که بانک موظف به حفظ آن در بانک است، در ایران بین ۱۰ تا ۳۰ درصد پول می‌باشد. پس از هر ۱۰۰ هزار تومان، بانک بین ۱۰ تا ۳۰ هزار تومان را نزد خود نگه داشته و مابقی را با پرداخت وام به سیستم پولی کشور باز می‌گرداند. درصد ذخیره قانونی از طریق رصد رفتار مالی و برآیند رفتار مالی مشتریان تعیین می‌شود. دقیقاً به همین علت است که در صورت از بین رفتن اعتماد مردم به بانک و هجوم آنها جهت دریافت پول خود، بانک ورشکسته می‌شود. چون فقط چیزی بین ۱۰ تا ۳۰ درصد پول مردم در بانک موجود است. چیزی که زیاد در طول تاریخ بانک‌ها اتفاق افتاده. برای نمونه، در سال (۱۶۶۰) بانک‌های سوئد با حرص و ولع زیاد اقدام به چاپ پول جدید و پخش آن بین مردم کردند و این مساله باعث از بین رفتن اعتماد مردم به بانک‌ها شد و مردم برای دریافت پول‌های خود به بانک‌ها هجوم آوردند که متوجه خالی بودن خزانه بانک و ورشکستگی آن شدند. پس در سیستم بانکی آن زمان اصل بر این شد هر رسید پول کاغذی به میزانی طلا یا نقره را (Represent) یا پشتیبانی کند. بدین معنی که اگر ۱۰۰ سکه در بانک توسط مردم به امانت گذاشته شده بود، بانک نیز اجازه صدور رسید پول کاغذی به اندازه‌ی همان ۱۰۰ سکه را داشت. این موضوع، یکی از اصول اصلی خلق پول جدید است. برای روشن‌تر شدن موضوع به این مثال دقت کنید: در نظر بگیریم میزان سپرده قانونی بانک‌ها ۱۰ درصد است، پس بانک می‌تواند ۹۰ درصد پولی که توسط مردم نزد بانک سپرده شده را وام دهد. شخص (A) ۱۰۰ هزار تومان از طریق کار کردن بدست آورده و آن را نزد بانک می‌سپارد. بانک طبق

قانون سپرده قانونی، ۱۰ هزار تومان آن را نگه داشته و ۹۰ هزار تومان مابقی را به شخص (B) وام میدهد که وی با این پول کالایی-مثلاً حوله- می‌خرد. فروشنده‌ی حوله ۹۰ هزار تومان را نزد بانک سپرده می‌کند، بانک ۹ هزار تومان آن را نگه داشته و ۸۱ هزار تومان بقیه را به شخص (C) وام می‌دهد و این چرخه ادامه پیدا می‌کند تا جایی که آن صد هزار تومان اولیه‌ای که شخص (A) به بانک سپرده بود، حتی می‌تواند یک میلیون تومان پول خلق کند. پس سیستم (Fractional Reserve Banking) توانایی خلق پول دارد. به ادامه داستان روند تکامل پول بپردازیم.

بانک مرکزی

به انگلستان برگردیم. هنگامی که در سال (۱۶۹۰)، فرانسوی‌ها در جنگ انگلیسی‌ها را شکست دادند و کنترل کانال انگلیسی به دست فرانسوی‌ها افتاد. انگلیسی‌ها که با مشکل جدی اقتصادی مواجه بودند، اقدام به تاسیس یک بانک مرکزی بنام (Bank of England) کردند. هدف اولیه تاسیس این بانک، جمع‌آوری بیشتر پول از مردمی که در آن سپرده می‌گذاشتند و تزریق این پول به دولت جهت ترمیم ارتش انگلیس بود. راه دیگر، چاپ پول به شکل (Bank Note) بود، بحثی که مدتی بود به عنوان (چاپ پول) مطرح شده بود و موافقین و مخالفینی داشت. یکی از کسانی که نظریه‌های او در تکامل پول نقش بسزایی داشت (نیکلاس باربن) بود. وی پزشکی بود که چندان در پزشکی موفق نبود و پس از مدتی پزشکی را رها کرده و به تجارت املاک و ساخت‌وساز پرداخت. نیکلاس باربن در شهرسازی در لندن نیز نقشی مهم داشته است. پس از آتش سوزی عظیم سال (۱۶۶۶) لندن که طی آن ۱۳ هزار خانه در آتش سوخت، باربن اقدام به ساخت و ساز انبوه خانه‌های جدید کرد. وی پس از ساخت خانه‌های جدید پیشنهاد داد مالکان سالیانه مبلغی بپردازند تا در صورت وقوع آتش‌سوزی دیگر وی خسارت ملک و اموال آن‌ها را بپردازد. به همین علت به او (پدر بیمه آتش سوزی) لقب دادند. امری که هم سود فراوان برای وی در برداشت و هم باعث تثبیت اقتصاد متزلزل بریتانیا گردید. اقدام دیگر نیکلاس باربن راه‌اندازی وام مسکن (Mortgage) بود. بدین‌صورت که بانک، قسمت عمده مبلغ خرید خانه را وام میداد. با این شرط که خانه تا اتمام اقساط در رهن بانک بود و در صورت عدم بازپرداخت اقساط، بانک می‌توانست خانه را فروخته و پول خود را بازگیرد. به همین منظور بانک جدیدی بنام (National Land Bank) تاسیس شد. این شیوه‌ی جدید پرداخت وام خرید مسکن، باعث آزاد شدن پول بیشتری در اقتصاد شد. برای فهم بهتر، در نظر بگیریم خانه‌ای ۱۰۰ هزار پوند ارزش داشت و شخصی برای خرید آن مجبور بود این مقدار پول را جمع کند و بدین ترتیب پول در ملک خریداری شده بلوکه می‌شد. سیستم جدید (Mortgage) باعث می‌شد همان شخص فقط ۲۰ هزار پوند از پول را بپردازد و مابقی را وام بگیرد. در نتیجه ۸۰ هزار پوند بقیه در اقتصاد و در گردش باقی می‌ماند و اقتصاد رونق بیشتری می‌گرفت.

Mercantilism

یکی دیگر از مهم‌ترین تئوری‌های باربن، مفهومی بنام (Mercantilism) بود که به نحوی، موتور پیشران اقتصاد آن زمان اروپا شد. این مفهوم بدین معناست که کشورها نباید اقتصاد کاملاً باز داشته باشند. اصل دیگر این‌که کشوری که بجای واردات، صادرات بیشتری داشته باشد موفق‌تر است. علت آنکه با وجود سیستم پولی آن زمان که پشتوانه طلا و نقره داشت، صادرات بیشتر به معنای وارد شدن طلا و بیشتر به خزانه و واردات مساوی با خروج آن از خزانه بود. ایده دیگر این بود که در صورت نیاز به وارد کردن کالایی، ترجیح این باشد که مواد خام آن محصول را وارد کشور کرده و در کشور خود آن محصول را که بعد از ساخته شدن ارزش بیشتری پیدا می‌کند، بسازند. به عبارت دیگر، خودکفایی و عدم نیاز به واردات از کشورهای دیگر. هرچند این ایده در دنیای حاضر چندان مورد استقبال نیست و تجارت از ارکان اصلی رشد اقتصادی به حساب می‌آید، اما در آن زمان که عظمت یک کشور به میزان ذخایر طلا و نقره آن وابسته بود، این نظریه منطقی به نظر می‌رسید. چندی بعد باربن با اعلام این‌که طلا و نقره هم به خودی خود ارزشی ندارند و ارزش آن‌ها به میزان پولی که دیگری حاضر به پرداخت درازای آن‌ها باشد وابسته است، مقامات و فعالان عرصه‌ی اقتصاد بریتانیا را به تغییر سیستم پولی کشور به پول کاغذی ترغیب کرد. تا قبل از این و همان‌طور که گفته شد، اعتقاد بر این بود که طلا و فلزات گرانبهای دیگر ارزش ذاتی دارند. نظریه‌ی جدید باربن، یکی از اولین ایده‌های تفکری بود که قرن‌ها بعد، منجر به نقش امروزه‌ی پول کاغذی در دستان ما شد.

در قسمت بعد ادامه‌ی داستان روند تکامل پول را توضیح خواهیم داد.

منابع

- https://en.wikipedia.org/wiki/Shell_money
- <https://www.youtube.com/watch?v=-nZkP2b-4vo>
- <https://www.youtube.com/watch?v=rPHTmGjoe2k>
- <https://www.youtube.com/watch?v=lzH1p3t2oRE>
- <https://www.youtube.com/watch?v=diEVmQZ1QfM>
- [https://en.wikipedia.org/wiki/John_Law_\(economist\)](https://en.wikipedia.org/wiki/John_Law_(economist))
- <https://www.youtube.com/watch?v=diEVmQZ1QfM>
- <https://www.youtube.com/watch?v=4KNW9o7wG3g&t=1831s>
- The mongol conquest in the world history
- <https://www.nouahsark.com/en/infocenter/culture/history/monarchs/gaykhatu.php>
- <https://www.youtube.com/watch?v=LrB9bS2VOLE>

<https://www.youtube.com/watch?v=LdyHso5iSZI>

<https://www.youtube.com/watch?v=GNo7MDN5-0g&list=PLmKXQuG1OdOyGI0ZyjgiqMQW9r03Fs60k&index=6>

<https://www.youtube.com/watch?v=XNu5ppFZbHo>

<https://www.thebalance.com/what-is-the-history-of-the-gold-standard-3306136>

Digesttt